

# نگاهی فلسفی به تأثیر اخلاق و قانون

## بر رعایت نظم عمومی

عبدالرزاق حسامی فر\*

دانشیار گروه فلسفه دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره)

### چکیده

رعایت نظم عمومی یکی از امور ضروری برای تحقق یک جامعه مطلوب و بسامان است. اما چگونه و از چه راهی میتوان به این هدف دست یافت؟ آیا باید رسانه‌ها و مراکز فرهنگی با آموزش اخلاقی افراد جامعه، آنها را به رعایت نظم عمومی برانگیزانند یا باید با وضع قوانین بازدارنده، افراد جامعه را ناگزیر به انجام این کار کرد و یا انجام هر دو کار لازم است. پرسش دیگری که در اینباره مطرح میشود اینست که آیا رعایت نظم عمومی در یک جامعه بخودی خود ارزشمند است و انگیزه فرد از انجام آن، چه احساس تکلیف باشد چه بیم از مجازات، در هر حال نیکو ارزیابی میشود یا ارزشمندی رعایت نظم عمومی تنها در گرو احساس تعهد و وظیفه‌شناسی اخلاقی است. پرسش سومی که در پی پرسش دوم مطرح میشود اینست که اگر فرد بدلیل ترس از جریمه، نظم را رعایت کرد، آیا میتوان فعل او را نیکو تلقی کرد؟ در این مقاله پس از تحلیل سه پرسش یادشده، با استفاده از اندیشه‌های فیلسوفان بزرگی چون افلاطون، ارسطو و کانت، میکوشیم نشان دهیم که ارزشمندی رعایت نظم عمومی از منظر اخلاق

فردی در گرو احساس تعهد اخلاقی است و از منظر اخلاق اجتماعی به هر انگیزه‌یی که باشد، البته با شدت و ضعف، فضیلت تلقی میشود، چراکه افراد جامعه از آن سود میبرند.

### کلید واژگان

نظم عمومی	اخلاق
قانون	وظیفه‌شناسی اخلاقی
اخلاق فردی	اخلاق اجتماعی

### طرح مسئله

عده‌یی از فیلسوفان، حیات اجتماعی انسان را حاصل گرایش طبیعی انسان دانسته‌اند و از اینرو انسان را مدنی بالطبع خوانده‌اند و برخی دیگر آن را حاصل قرارداد جمعی انسانها میدانند. یکی از مؤلفه‌های ضروری این حیات، رعایت نظم عمومی است که به امور جامعه سامان میدهد و زمینه را برای برقراری عدالت در جامعه فراهم میکند؛ چنانکه امیرالمؤمنین، علی (ع)، در پاسخ به این پرسش که عدل بهتر است یا جود و بخشش، فرموده‌اند «العدل

\*.Email: ahesamifar@yahoo.com

تاریخ تأیید: ۹۴/۶/۳۰

تاریخ دریافت: ۹۴/۴/۳